

بازتاب غدیرخم در قصاید زیب مگسی

سید، محمدعلی شاه

چکیده

واقعه غدیرخم از آغاز، درطول حیات دینی و فرهنگی مجامع ملل اسلامی، همواره گرمی بخش محافل محدثان، راویان و شاعران بوده است. در میان شاعران زبان فارسی، میر گل محمد خان، زیب مگسی، یکی از شعرای معاصر بلوچستان (پاکستان)، در دیوان قصاید، خود، *خزینة الجواهر*، ۵۱ قصیده منقبتی در شأن مولای متقیان (ع) سروده و از خم خانه ساقی کوثر، طالب جرعه ای است.

در این مقاله برآنیم که دست‌آورد باده پیمایی زیب مگسی از غدیرخم را از منظر وی مورد بررسی قرار دهیم. زیب مگسی در این دیوان، آیات و احادیث مربوط به حضرت علی (ع) را به رشته نظم کشیده و ویژگی های آن حضرت را از منظر تأویل آیه ها و احادیث مورد بررسی قرار داده است؛ به خصوص واقعه غدیرخم در این دیوان نمودی پررنگ تر دارد و شایسته آن است که از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گیرد تا هم به درک ظرایف عمیق تری از غدیرخم برسیم و هم دلایل قوی تری مبنی بر توانایی و هنرمندی این شاعر ولایی بر مشتاقان شعرش کشف شود.

کلیدواژه ها: غدیرخم، زیب مگسی، دیوان قصاید، منقبت.

مقدمه

یکی از وقایع مهم و بزرگ تاریخ اسلام، واقعه غدیر خم است که در اواخر حیات پیامبر اکرم (ص) رخ داد و سر منشأ بسیاری از عقاید و تحولات بعد از خود شد. بسیاری از محققان، پژوهشگران و صاحب نظران به بررسی و تجزیه تحلیل این واقعه تاریخی پرداخته اند. این واقعه تاریخی، افکار شعرا را بیش از همه مشغول به خود کرده است.

در ادب فارسی و فرهنگ اسلامی، از همان صدر اسلام شاعران بسیاری بوده اند که به کیش مقدس اسلام در آمده و آرامش قلبی خویش را در تخلق به معارف دینی دانسته و افتخار درک فضیلت حقایق درخشان اسلامی را داشته اند و مادیح و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت را زیب دفترهای شعری خود ساخته و از آن دست مایه کامرانی در زندگانی دنیوی و شفاعت اخروی را آرزو کرده اند و کم نبوده اند سخنوران و گویندگانی که با سرمایه نبوغ فطری و استعداد ذاتی و با نیروی قریحه و فکر خداداده به سرودن مادیح و مناقب آل پیامبر (ص) پرداخته و به آنها احترام و حرمت گذارده و با استعانت از حضرت حق و طلب فتوح از بزرگان دین و راه یافتگان به مرتبه یقین، کلام خویش را به اوج کمال رسانیده اند،^۱ چنان که کسانی مروزی (سده چهارم هجری)، حکیم فردوسی (۹۲۹-۴۱۱ق)، ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ق)، سننایی غزنوی (اواسط قرن پنجم هجری)، نظامی گنجوی (د ۵۷۶ تا ۶۰۶ق)، خاقانی (د ۵۹۵ق)، مولوی (د ۶۷۲ق)، سعدی شیرازی (د ۶۹۱ق)، امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق) و اقبال لاهوری (۱۲۸۹-۱۳۵۷ق)، آخرین شاعر بزرگ و توانایی است،^۲ که طالب جامی از ساقی کوثر بوده اند. ستایش شاعران فارسی زبان بالاخص و شاعران غیر فارسی زبان بالعموم از پیامبر اسلام و خاندان عصمت و طهارت تا دوره معاصر همواره سنت و شیوه سخن سرایان بوده است و مدیحه سرایی و منقبت گویی برای پیامبر و ائمه اطهار در طول تاریخ شعر



فارسی از ویژگی تداوم و استمرار برخوردار بوده است. در این راستا، یکی از شاعران تأثیرگذاری که در قرن پرتلاطم چهارده هجری در شبه قاره می زیسته، نواب میر گل محمد خان مگسی، متخلص به «زیب» است.^۳ او در دیوان قصاید، خزینة الجواهر، ۵۱ منقبت در مدح مولای متقیان علی (ع) سروده است و موضوع بحث بنده، بررسی اشعار واقعه «غدیر خم» در میان مناقب این دیوان است.

نواب میر گل محمد خان، زیب مگسی علاوه بر روانی طبع و سخن سرایی، حافظه ای فوق العاده داشت، به طوری که علاوه بر زبان فارسی، به زبان های عربی، اردو، هندی، سندی، پنجابی و سرائیکی اشعار نغزی سروده است.^۴ در زبان فارسی اشعار وی بالغ بر ۳۰۰۰۰ بیت است.^۵ دو دیوان وی، زیب نامه و خزینة الاشعار چاپ شده است؛ اما دیوان *ارمغان عاشقان* وی که یازده هزار بیت دارد، به صورت نسخه خطی، ناشناخته مانده است.^۶ همچنین بنده دیوان *خزینة الجواهر* وی را که حاوی قصاید اوست و در ۴۴۶ بیت سروده شده است، با راهنمایی آقای دکتر ناصر نیکوبخت و مشاورت آقای دکتر قدرت الله طاهری، اساتید محترم دانشگاه تربیت مدرس، تصحیح کرده ام.

نواب میر گل محمد خان زیب مگسی، شاعر بزرگ فارسی گوی بلوچستان (پاکستان)،^۷ متخلص به زیب، فرزند سردار قیصر خان مگسی، حاکم «جهل مگسی»، در ۱۳ رمضان المبارک، سال ۱۳۰۱ هـ ق (۱۸۸۳-۱۸۸۴ م.) به دنیا آمده است. چنان که وی درباره تاریخ تولد خود می گوید:

به پاس اول بعد از طلوع روز قمر به سال سیزده صدویک ز هجرت سرور
 به ماه رمضان، تاریخ سیزده از بطن ظهور یافتم از حکم خالق اکبر^۸

نواب قیصرخان سه پسر داشت. نواب گل محمد خان، پسر بزرگ بود،^۹ و دو پسر دیگر او سردار یوسف علی خان عزیز مگسی (۱۹۰۸ م. - ۱۹۳۵ م.) و سردار محبوب علی خان مگسی بودند.^{۱۰} سردار یوسف علی خان، عزیز مگسی، مبارز آزادی خواه و شاعر فارسی گوی بود و در بیداری افکار آزادی خواهی مردم ناحیه اش تأثیر فراوان داشت. وی به اقبال لاهوری، مولانا ظفر علی خان و مولانا محمد علی جوهر ارادت داشت. این جوان ناکام در زمین لرزه ای مهیب (۲۱ مه ۱۹۳۵ م.) در کوئته از دار فانی شتافت.^{۱۲} سردار محبوب علی خان مگسی، سومین فرزند نواب قیصر خان، در سیاست مقام بااهمیتی داشت و همچنان فرزند سردار محبوب علی خان مگسی، نواب سیف الله خان مگسی از سیاستمداران زمان خود بود. نواده محبوب علی خان، نواب میر ذوالفقار علی خان مگسی (استاندار ایالت بلوچستان) و میر نادرخان مگسی در سیاست امروزی پاکستان اشخاصی شناخته شده هستند.^{۱۳}

پدرش، نواب قیصر خان برای آموزش و پرورش فرزندان خود، استادانی از دور و نزدیک فراخواند. یوسف عزیز و زیب مگسی از قاضی رسول بخش، مولانا غلام قادر و لاله کنهیلال به ترتیب الهیات، عربی، فارسی، اردو و انگلیسی آموختند.^{۱۴} زیب مگسی علاوه بر استادان مذکور، از منشی بستومل انگلیسی، هندی و علم جفر و از استاد پیرمحمد گلهوار گنداهای، فارسی را فراگرفت.^{۱۵}

وی بعد از وفات پدر، مسئولیت حکمرانی و ادارهٔ قبیلهٔ خود را به عهده گرفت.^{۱۶} اما به زودی به دلیل گرایش عرفانی، امر حکومت داری را ترک گفت و بیشتر اوقات خود را در اکتساب علم و دانش و مطالعه می گذراند و مشغول تهذیب نفس خود بود، چنان که خود می گوید:

به شوق فقر گذر از مراد ملک که زیب گذاشت ابن الادهم سریر و سامان را

مراد سلطنت را ترک گفتم بهر درویشی چو ابراهیم ادهم ملک و سامان دادم و رفتم
(۱۳)

نخستین اثر منظوم زیب مگسی، زیب نامه (پنج گلدسته)، است که مشتمل بر پنج دیوان مختصر به نام‌های زیب نامه، دیوان عجیب، دیوان البحور، کتاب الصنایع ترجیع‌بند و کتاب الافراد می‌باشد. تعداد ابیات زیب نامه ۳۳۸۵ بیت است و اولین بار در مطبع نولکشور، لکهنو (هند) در سال ۱۹۳۱ م. به چاپ رسیده است. زیب مگسی در تتمه، زیب نامه می‌گوید:

سال هجری غین و شین و لام و با ختم شد این نامه صفت نما
هفته بگذشته از ماه صیام زیب نامه یافت زیب اختتام
(۱۶)

خزینة الاشعار، یعنی مخمسات زیب، از لحاظ زمانی، اثر دوم وی است. این مجموعه در سال ۱۳۵۰ هـ ق/ ۱۹۳۲ م. کامل شده است. چنان‌که خود زیب می‌گوید:

این کتاب بدیع و نظم فرید در بهاران با اختتام رسید
نام نامی خزینة الاشعار جمله ابیات گوهر شهوار
سال هجری عیان ز دوره ماه الف و سه صد فزون بر آن پنجاه
(۱۳۵۰ هـ ق)

ماه ذیقعدة روز آدینه پُر شد این گنج دارگنجینه

خزینة الاشعار به سال ۱۳۵۴ هـ ق/ ۱۹۳۶ م. در چاپ‌خانه منشی نولکشور لکهنو (هند) به زیور طبع آراسته شده و بر ۳۰۱ مخمس در ۴۳۰۲ بیت مشتمل است. وی



در این مجموعه، اشعار ۱۱۵ شاعر معروف فارسی‌گوی از متقدم و متأخر را تضمین کرده‌است.

در این مخمسات، زیب ازیک‌سوی خواننده خود را از فکر و هنر خویش تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و ازسوی‌دیگر، شعرای متقدم و معاصر خود را بانهایت خوبی و خوش‌سلیقگی معرفی می‌کند. لحظه‌ای با رودکی سمرقندی در ماوراءالنهر و خطا و ختن بادیه‌پیمایی می‌کند و لحظه‌ای با سعدی و حافظ کنار آب رکناباد درحال گل‌گشت است. گاهی او را در همدان با باباطاهر عریان محو گفت‌وگو می‌بینی و گاهی با خداوند شاهنامه در توس محو اختلاط؛ اکنون در تربت‌جام است و دمی بعد در دهلی کنار امیرخسرو و میرزاغالب دهلوی است. لحظه‌ای در بغداد با شیخ عبدالقادر جیلانی است و کمی بعد، خاک مدینه و نجف را سرمه چشم می‌سازد.^{۱۷} به‌قولی «اگر دراین‌میان تنها خزینة الاشعار او به‌یادگار می‌ماند، به‌خوبی می‌توانست مبین استادی او در شعر و ادب فارسی باشد».^{۱۸}

۷۵

دیوان قصاید، خزینة الجواهر، از لحاظ زمانی سومین اثر زیب است که شاعر در آن، ۱۴۷ قصیده در مدح حضرت پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، عارفان شبه‌قاره پاک و هند و شاهان و والیان سروده‌است. *ارمغان عاشقان* به‌ترتیب زمانی، دیوان چهارم زیب مگسی است که هنوز به زیور طبع آراسته نشده‌است. در این نسخه‌غیراز ۱۰۷۴ غزل، مخمسات، ترجیع‌بندها، مستزادها، مثلثات، مسدسات، رباعیات و مفردات نیز دیده می‌شود که شامل ۱۱۰۰۰ بیت به‌ترتیب حروف الفباست. این دیوان در سال ۱۳۱۸ هـ آغاز و در سال ۱۳۵۷ هـ/ ۱۹۳۸ م، تکمیل شده‌است.^{۱۹} شاعر درخاتمه کتاب، بیت‌های زیر را راجع به آغاز و پایان این نسخه آورده‌است:



هزار و سه صد و هم هژده بالا که شد آغاز این کاخ معانی

(۱۳۱۸ هـ)

هزار و سه صد و پنجاه هم هفت که شد کامل به عون آسمانی

(۱۳۵۷ هـ)

مه شوال در روز دهم گشت دلم خرسند و شاد از خامه رانی

نهادم «رمغان عاشقان» نام مر این مجموعه را کس نیست ثانی

غیر از آثار فارسی، وی اشعاری به زبان‌های سندی، عربی، پنجابی، سرائیکی و هندی نیز سروده است که تا اکنون چاپ نشده است.^{۲۰}

این نابغه روزگار شعر فارسی و شاعر گران قدر در سال ۱۹۵۳ م. در هفتاد سالگی چشم از جهان فرو بست،^{۲۱} و در شهر آبایی خویش، جهل مگسی، آسوده خاک گردید.^{۲۲}

زیب مگسی در میان معاصران خود، بیش از هر شاعر دیگر حضرت امیر (ع) را مدح گفته است. اگر فقط به دیوان خزینة الجواهر او نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که ۵۲ قصیده این دیوان، که تعداد ابیات آن ۱۵۹۶ بیت است، یعنی یک سوم از کل قصاید او در شأن حضرت علی (ع) سروده شده است و ذکر وقایع غدیر خم در این قصاید بسیار بارز و چشم گیر است. شایسته است در اینجا موقعیت جغرافیایی غدیر خم و حدیث غدیر خم ذکر شود. غدیر خم در میان مکه و مدینه، بر سر راه حجاج قرار دارد. غدیر در سه چهار کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در ۶۴ کیلومتری مکه قرار دارد، که یکی از میقات‌های پنج گانه است. در جحفه راه مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می شود. غدیر خم به سبب وجود مقداری آب و چند درخت کهن سال، جای استراحت کاروانی بوده است.^{۲۳}

حضرت ختمی مرتبت (ص) در سال دهم هجرت مراسم حج برگزار کرد و از آنجاکه این آخرین حج آن حضرت (ص) بود، به حجة الوداع معروف گشت. پیامبر اکرم (ص) بعد از پایان مراسم حج، در بازگشت به منطقه جحفه رسید و در همین مقام، آیه ۶۷ از سوره مائده،^{۲۴} بر آن حضرت نازل شد. حضرت رسول اکرم (ص) برای ابلاغ این وحی، به کاروانی دستور توقف داد و در خطبه‌ای، بعد از حمد و شهادت بر یکتایی پروردگار، خبر نزدیک شدن رحلت خود و امانت گذاشتن دو میراث گران بها، قرآن کریم و اهل بیت عترت را اعلام و در ادامه فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مَنْ أَنْفَسَهُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُ أَعْلَمَ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مُوَلَّى وَاَنَا مُوَلَّى الْمُؤْمِنِينَ وَانَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتُ مُوَلَّى فَعَلَى مُوَلَّى اللَّهِ وَاللَّهُمَّ وَالِاهِ وَعَادٍ مِنْ عَادَةٍ»^{۲۵}

مصطفی «من کنت مولا» گفت در شأن علی (ع) «ان فی ذالک لآیات لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»

(۳ / ۱۲۲)

حق را خلیفه هر دو جهان را امام عدل
 ای روشن از تجلی حسن تو ماه عشق
 درویش پاک و صوفی سرچشمه دار فقر
 سرسبز از سحاب نگاهت بهار فقر
 مرفوع می شدی ز جهان اعتبار فقر
 گر ذات تو ظهور نکردی در این جهان

(۱۸ و ۹ / ۴۹)

و نیز

اولیا را مرشدی و مؤمنان را پیشوا
 ای تویی حق را خلیفه، مصطفی را جانشین

(۲۱ / ۱۱۹)

علیم معنی کل جانشین شاه رسل
 به باغ رحمت بلبل «هو الغفور» سُرّا

(۸ / ۱)



آن خلافت را سزاوار و امامت را عروج پادشاهی را بقا و هم ولایت را مآب

(۱۲/۱۰)

هنگامی که خطبه خیرالمرسلین (ص) پایان یافت، حضرت جبرئیل دوباره نازل شد و این آیه مبارکه را قرائت کرد: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا»،^{۲۶} واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ق). از مفسران بزرگ اهل سنت روایت می‌کند که این آیه در روز غدیرخم درباره حضرت علی (ع) نازل شده است.^{۲۷} زیب مگسی در تأیید این نکته، چنین بیان می‌کند:

به اذن حق نایب محمد به حقیقت جانشین احمد مدام گنجور گنج سرمد خلیفه خاص از پیمبر

(۶/۵۱)

ای تو الی الامری به حقیقت در تأیید تو وحی خدا واجب بیعت توست برو هرچند که بالد والی شام

(۱۲/۱۱۱)

در غدیرخم، حضرت ختمی مرتبت، پس از اتمام خطبه، حضرت علی (ع) را در خیمه‌ای نشان داد و به اصحاب فرمود که نزد علی (ع) رفته، به وی مقام ولایت را تبریک گویند. مسلمانان و اصحاب گروه گروه نزد حضرت می‌رفتند و بیعت می‌کردند.^{۲۸} زیب مگسی در تأیید این واقعه می‌گوید:

او سپهسالار فوج اولیا و اصفیا اوست مولای همه اصحاب با حکم خیر

(۳۲/۴۸)

حضرت پیامبر اسلام (ص) پس از بیعت و تهنیت صحابه با حضرت علی (ع)، عمامه خود، «سحاب» را به رسم تاج‌گذاری بر سر مولای متقیان نهاد و فرمود: «یا علی! العمامه تیجان العرب»، بعد فرمود که در روز جنگ بدر و حنین، وقتی فرشتگان به کمکم

آمدند، از این نوع عمامه در سر داشتند.^{۲۹} زیب مگسی نیز باور دارد که تاج‌گذاری علی (ع) به امر پرودگار بوده و حضرت حق همه کلید نعمت‌ها را به حضرت علی (ع) سپرده‌است:

نبی (ص) نهاده به فرقت کلاه سلطانی خدا سپرده به دستت کلید نعما را

(۴۵ / ۱)

وقایع غدیر خم را اکثر مفسرین شیعه و بسیاری از عالمان بزرگ اهل سنت در کتب و تفاسیر خود آورده‌اند. چنان‌که احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق.) در کتاب *فضایل الصحابه و مسند* (ص ۸۸ و ۸۴)؛ بلاذری (م ۲۷۹ ق.) در *انساب الاشراف* (ص ۱۰۳-۱۱۲)؛ و یاقوت حموی (م ۶۲۶ ق.) در *معجم البلدان*، (ج ۲، ص ۳۷۹) و ... به کرات این واقعه را به رشته تحریر در آورده‌است. زیب مگسی به استناد این روایان می‌گوید:

ای لقب داری ابوالهیجا ولی الله خطاب وی تو مولای به تصدیق روات و بل ثقات

(۲۳ / ۱۹)

پیشینه وام‌گیری سخنوران فارسی از کلام ربّانی و احادیث نبوی (ص) به دوره آغازین شعر فارسی می‌رسد؛ اشراف شعرا بر قرآن و احادیث باعث شد تا تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی رونقی بیشتر به دست آورد،^{۳۰} چنان‌که حکیم سنایی غزنوی در قرن پنجم هجری قمری، اقتباس از قرآن و حدیث را در اشعار خویش گنجانید^{۳۱} و این امر در قرن هفتم و هشتم به‌خصوص در مثنوی معنوی مولانای بلخی به اوج خود رسید.^{۳۲}

در شبه‌قاره پاک و هند، در شعر شعرای سبک هندی به تبع شاعران ایران‌زمین، از این‌گونه اقتباس و تضمین‌ها به‌وفور به چشم می‌خورد. ناگفته نماند که بیشتر شعرای شبه‌قاره پاک و هند، استفاده از آیات و احادیث را به دلیل فضل‌فروشی در کلام خود



نمی‌آوردند، بلکه قصد و هدف آنها تبلیغ دین بوده‌است. زیب مگسی در میان معاصران خود، بیش از هر شاعر، در شعرهای خود به آیه‌های قرآن کریم و احادیث استشهاد کرده‌است، ولی گاه قسمتی از آیه را در شعر آورده، گاه دو کلمه از آن را در شعر گنجانیده و گاه فقط به معنی آن اشاره کرده‌است. در اینجا ابیاتی از قصیده (۱۲۲) به‌عنوان نمونه آورده می‌شود که در آن اکثر قافیه‌ها از آیات قرآن گرفته شده‌است، مثلاً:

بهر آزادی ز قید و بندش «ریب المنون» حب حیدر هست امکان قوی «لوتعلمون»

(۱/۱۲۲)

اشاره به این دو آیه کریمه است: «ام یقولون شاعرٌ تَرَبَّصُ بِهِ رِيبَ الْمُنُونِ»^{۳۳} و «وَ أَنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ»^{۳۴}

آیه‌ای که دربارهٔ حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نازل شده،^{۳۵} شاعر این آیه و حدیث پیامبر اکرم (ص) را در تأیید باور خود آورده‌است.^{۳۶}

۸۰

بذل و ایثار و تصدیق قول «یُطعمون» سویش ایمای بود «السابقون السابقون»

(۱۰/۲۷)

اشاره به کلام الله مجید: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلٰی حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيْمًا وَ اَسِيْرًا»^{۳۷} و «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»^{۳۸} است.

مصطفی «من کنت مولاه» گفت در شأن علی (ع) «ان فی ذالک لآیات لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»

(۳/۱۲۲)

اشاره به حدیث پیامبرگرامی در غدیرخیم: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ»^{۳۹} و آیه قرآن: «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنَّجْمُوسَ مَسْخَرَاتٍ بِأَمْرِ إِنْ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^{۴۰}

شاعر با اقتباس از آیه سوره كهف و اندكى تغيير چنين مى سرايد:

علیم «علم لدنی» خطیب خطبه عشق ادیب مکتب صدق و یقین و صبر و رضا

(۲۴/۱)

که اشاره دارد به آیه: «فوجدأ عبداً من عبادنا اتیناهُ رحمةً من عندنا و علمناه من لدنا علماً»^{۴۱}

ماه اوج انما و شاه تخت «هل اتی» هل مبارز را سزا و مدحت او «لا فتی»

(۱۵/۵)

۸۱ اشاره به آیه قرآن: «هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً»^{۴۲}
اشاره به حدیث قدسی: «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار»^{۴۳}

ای ز تیغ تو رواج «قل هو الله احد» وی ز تلقینت مؤثر ذکر «الله الصمد»

(۱/۳۲)

اشاره به دو آیه «۱ و ۲» سوره اخلاص است.

دوام حب تو مفتاح قفل هر مشکل مدام ذات تو مفهوم «آیت مقصود»

(۵/۳۴)



«آیت مقصود» اشاره است به آیه: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلاً»^{۴۴}

ذات حق را اوست چون یوسف زلیخا را عزیز مصطفی را اوست چون هارون موسی را عزیز

(۲۸/۱۲۷)

شعر فارسی، خصوصاً قصیده از آغاز پیدایش، کم و بیش در خدمت شاهان و اشراف بوده و دربار و درباریان نیز حامیان و مشوقان اصلی شاعران به شمار می آمدند؛ بنابراین شاعران برای برخورداری بیشتر از حمایت امرای زمان خود سعی می کردند مناسب انتظارات ایشان شعر بگویند؛ اما زیب مگسی این انتظارات را از سرور کائنات، حضرت محمد (ص)، و اهل بیت او جست و جو می کند.

ای قلم بنویس مدح سرور هردو سرا شاه شاهان پیرپیران مظهر ذات خدا
مانی ارزنگ فقر و بانی دیوار فیض آب و آتش رافع افتادگان و دافع درد و بلا
منقبت گویانش را جبریل گویان مرحبا عاشقان را بر لب از حبس صدای حبدا
ماه اوج «انما» و شاه تخت «هل اتی» آب و آتش هل مبارز را سزا و مدحت او «لافتی»

(۱/۶ - ۴)

یکی از راه های تکامل یافتن شعر و تنوع بخشیدن به معانی و مضامین شعر این است که شاعر برای رونق دادن به شعر خود از اصطلاحات علوم گوناگون، افسانه های دینی و ملی، وقایع تاریخی، آیات قرآنی و احادیث و امثال فارسی استفاده کند و آنها را در شعر خود آورد و تا حدی توان از این گونه اطلاعات و معلومات برای زیباتر ساختن شعر و نوآوری در آن سود جوید. زیب مگسی نیز ضمن یاری جستن از مولای متقیان، به زیبایی از آیات و احادیث بهره می گیرد:

(۴/۱۲۲)

هنر زیب در به‌کارگیری آیات و احادیث در اشعار، این است که هر آیه یا حدیث با دیگر اجزای شعر هماهنگی بارزی دارد. از اینجا مشخص می‌شود که زیب نه‌تنها کلام‌الله مجید و احادیث را دقیق مطالعه کرده، بلکه از تاریخ ادیان، داستان‌های قرآنی و تاریخ اسلام اطلاع خوبی داشته‌است، طوری‌که عناوین قصاید، به‌خصوص عنوان‌های مناقب و اکثر مدایح، اقتباس از آیات ربّانی و احادیث نبوی است، مانند:

«در منقبت محرم خلوت «لی مع الله»، شمع محفل «من كنت مولاہ فعلی مولاہ»؛
 «در منقبت ولی السخی، الذی جاء فی شأنه «ان علیاً منی و انا منه و هو ولی کل مؤمن» کرم الله وجهه»؛ «در منقبت رایض میدان لا فتی، خورشید سپهر «هل اتی» وسیله دنیا و عقبی، بدرقه راه ربی، الذی جاء فی شأنه «یا علی محبک محبی» کرم الله وجهه»؛ «ان علیاً منی و انا منه و هو ولی کل مؤمن» و «علی منی بمنزلہ هارون من موسی الاً انه لانی بعدی» و «یا علی طوبی لک و لمن احبک و صدق فیک» و «مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح» و «علی و صبی و وارثی» و ...

وی اخلاص خویش را نسبت به ابوتراب (ع) این چنین ابراز می‌کند:

به مولایی تو به دارایی تو
 چون گدایان کویت غلامان بابت
 ز «من کنت مولاہ» پیداست برهان
 ز «من وال والاه» هستند سلطان
 اگر جمع باشد عدوی تو یک‌جا
 ز «من عاد عاداه» گردد پریشان

(۲۸-۲۶/۱۲۱)

هردم اطمینان من باشد ز لطف کردگار
 «لافتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار»

(۱/۴۵)



آسمان را گر سپر سازد عدویش روز جنگ ذوالفقار او کند پیدا خط نصف‌النهار

(۱۳/۴۵)

باور شیعیان این است که امیرالمؤمنین علی (ع) در شب اول قبر به کمک دوست‌داران خود می‌آید:

مستی عشق تو را باشد نجات اندر بغل در لحد از نعره مستانت بگیرزد نکیر

(۵۲/۲۴)

روی‌هم‌رفته، در شعر زیب، بر عناصر مذهبی و دینی بیشتر تأکید شده و آرمان‌های انسانی و جهانی مورد توجه قرار گرفته و بن‌مایه‌های دینی و عرفانی اشعار وی را غنی ساخته‌است. شاعر این مضامین را از متون کهن و اصیل اسلامی اخذ کرده‌است. در آخر ابیاتی در مدح وصی رسول خدا از دیوان زیب نامه آورده می‌شود:

شوقم که به لا اله الا الله است از عشق محمد (ص)، رسول الله است

چون دوست علیم، ایزدم دل‌خواه است حجت من قول «وال من والاه» است

(۲۲۴)

۸۴

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نتیجه

واقعۀ غدیرخیم یکی از وقایع بزرگ جهان اسلام است که در ادبیات فارسی تأثیر بسزایی گذاشته‌است و افکار عمومی را به‌خود جلب کرده، و از محدثین و مفسرین گرفته تا شعراء و نویسندگان، از این حادثه مبارک تبرک جست، کلام خویش را مزین ساخته‌اند. از آن‌میان، میر گل محمد خان، زیب مگسی، سرآمد شعرای فارسی‌گوی بلوچستان (پاکستان) است که به‌قدر تشنگی، طالب جرعه‌ای از ساقی کوثر است و در این‌راه، گامی چند برداشته‌است و

علاوه بر ادامه دادن این شیوه دیرپا، از زاویه‌هایی منحصر به فرد و بدیع به غدیر نگریسته و با بیانی هنرمندانه، گنجینه شعر ولایی فارسی را غنا بخشیده است.



شماره ۵۲ بهار ۱۳۸۹

۸۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها

- ۱- دامادی، سید محمد: *سیر منقبت سرایی در ادب فارسی و عربی*، ص ۱۲۸.
- ۲- صفاء، ذبیح الله: *گنج سخن*، ج ۳، ص ۲۷۸.
- ۳- کوثر، انعام الحق: *شعر فارسی در بلوچستان*، ص ۲۳۹.
- ۴- سید شرافت عباس: *بلوچستان مین فارسی شاعری کی پچاس سال*، ص ۴۱.
- ۵- زیب، میر گل محمد خان مگسی: *زیب نامه*، ص ۴۲.
- ۶- کوثر، انعام الحق: همان، ص ۱۶۸.
- ۷- رضوی، سید سبط حسن: *فارسی گویان پاکستان*، ص ۲۵۹.
- ۸- شماره صفحات ابیات براساس *زیب نامه* مگسی با مقدمه سید شرافت عباس است.
- ۹- کوثر، انعام الحق: همان، ص ۱۶۰.
- ۱۰- سید شرافت عباس: همان، ص ۴۱.
- ۱۱- کوثر، انعام الحق: «یوسف عزیز مگسی»، ص ۹۱.
- ۱۲- همان، ص ۹۲.
- ۱۳- سید شرافت عباس: *زیب نامه*، مقدمه، ص ۱۰.
- ۱۴- کوثر، انعام الحق: همان، ص ۹۲.
- ۱۵- سید، محمد علی شاه: «زیب مگسی سخن سرای برجسته قرن ۱۴ هجری»، ص ۲۰۳.
- ۱۶- بلوچ، اختر علی خان: *بلوچستان کی مشهور شخصیات*، ص ۸۲.
- ۱۷- سید شرافت عباس: *خزینة الاشعار*، مقدمه، ص ۲۱.
- ۱۸- بزرگ بیگدلی، سعید: «یک شاعر و دو نگاه: ناطق مکرانی از دیدگاه غالب و زیب مگسی»، دانش، ص ۱۰۵.
- ۱۹- رضوی، سید سبط حسن: همان، ص ۲۵۹.
- ۲۰- *زیب نامه*، مقدمه، ص ۱۳.
- ۲۱- ریاض، محمد: *شعر فارسی و خدمات زیب مگسی*، ص ۷۷ و رضوی، سید سبط حسن: همان، ص ۲۵۰ و *کوثر، انعام الحق*: همان، ص ۱۶۰.
- ۲۲- *سید شرافت عباس*: همان، مقدمه، ص ۳۸ و ابراهیمیان، حجت الله: *حدیث دل*، ص ۱۳۳.
- ۲۳- دایرة المعارف ویکی پدیا، ذیل کلمه «غدیر».
- ۲۴- «يا ايها الرسول بَلِّغْ ما انزل اليك من ربك وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ اِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ»؛ ای رسول ما! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شد به مردم برسان و اگر این کار

را انجام ندهی رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم ایمن نخواهد کرد. همانا خداوند گروه کافر را هدایت نمی کند.

۲۵- ای مردم چه کسی نسبت به مؤمنان، از خود آنان سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: خدا مولا و سرپرست من است و من مولا و سرپرست مؤمنانم و من نسبت به مؤمنین از خود آنان سزاوارترم، پس هرکس من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست او است.

۲۶- سوره مائده/۳، ترجمه: امروزین را بر شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم اسلام دین شما باشد.

۲۷- واحدی نیشابوری، علی بن احمد: *اسباب النزول*، ص ۱۳۵.

۲۸- الدیلمی، حسن بن محمد: *ارشاد القلوب*، ص ۱۸۷.

۲۹- بیهقی، ابوبکر: *سنن الکبری*، ج ۱۰، ص ۱۴ و ابن خلکان، احمد بن محمد: *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳۰- راستگو، سیدمحمد: *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، ص ۶ و ۷.

۳۱- صفا، ذبیح الله: *گنج سخن*، ص ۳۱۱.

۳۲- شفق، رضازاده: *تاریخ ادبیات ایران*، ص ۲۸۷.

۳۳- سوره طور ۳۰/۲۷، ترجمه: یا که گویند محمد (ص) شاعر (ماهری است) و ما حادثه مرگ او را انتظار داریم.

۳۴- سوره واقعه ۷۶/۲۷، ترجمه: و این قسم اگر بدانید بسیار سوگند بزرگی است.

۳۵- آیه ۸ از سوره الانسان در شأن اهل بیت پیمبر (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) نازل شده است. جناب حسنین بیمار شده بود و حضرت رسالت مآب به عیادت آمدند و به حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) دستور دادند که برای بهبود ایشان نذری کنند. ایشان سه روز روزه گرفتند و هر روز در وقت افطار، غذای خود را به درویش، یتیم و اسیر دادند. بنا بر وفای عهد، از حضرت حق وحی نازل شد که از این آیه شروع می شود: «هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیاً مذکوراً» و گفته اند که از آیه ۵ این سوره تا پایان آیه ۲۲ درباره این ماجرا و حضرت علی و فاطمه و حسنین است (برای اطلاع بیشتر، رک به قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر سورآبادی، ص ۴۳۴).

۳۶- شمیسا، سیروس: *فرهنگ تلمیحات*، ص ۴۶۲.

۳۷- سوره الانسان/ ۸، ترجمه: «و خوراندند خوراک خود را با وجود دوست داشتنش به فقیر و یتیم و اسیر.»

۳۸- سوره واقعه؛ ترجمه: «و طایفه سوم آنان که در ایمان بر همه پیشی گرفتند.»

۳۹- ترجمه: «هرکه من مولای اویم این علی مولای اوست.»

۴۰- ترجمه: «و هم شب و روز و خورشید و ماه را برای زندگانی شما در گردون مسخر ساخت و ستارگان آسمان را به فرمان خویش مسخر کرد، در این کتاب آیت و نشانه های خدا برای اهل خرد پدیدار است.»



- ۴۱- ترجمه: «پس در آنجا بنده‌ای از بندگان خاص ما را (که جویای او بودند) یافتند که او را رحمت و لطف خاصی عطا کردیم و هم از نزد خود او را علم بیاموختیم.»
- ۴۲- ترجمه: «آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی لایق ذکر هیچ نبود.»
- ۴۳- ترجمه: «هیچ مردی نیست به‌جز علی و هیچ شمشیری نیست به‌جز ذوالفقار.»
- ۴۴- ترجمه: «ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) را اطاعت کنید و چون در چیزی کارتان به گفت‌وگو و نزاع کشد به حکم خدا و رسول بازگردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید این کار برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش عاقبت خواهد بود.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محیی الدین مهدی الهی قمشه‌ای.
- ابراهیمیان، حجت‌الله: *حدیث دل* (تذکره شعرای پارسی گوی بلوچستان)، کویت: خانه فرهنگ ج.ا.ایران، ۱۳۷۸.
- ابن خلکان، احمد بن محمد: *وفیات الاعیان*، بیروت: دار حیاء التراث العربی، ۱۳۹۷م.
- احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت: دار صادر، [بی تا].
- _____: *فضایل الصحابه*، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
- بزرگ بیگللی، سعید: «یک شاعر و دو دیدگاه: ناطق مکرانی از دیدگاه غالب و زیب مگسی»، دانش، فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ش ۶۸-۶۹، اسلام‌آباد، ۱۳۸۱.
- بلاذری، احمد: *انساب الاشراف*، بیروت: مؤسسه الاعلمی، [بی تا].
- بلوچ، اخترعلی خان: *بلوچستان کی نامور شخصیات*، ج ۴، کراچی: رایل، ۱۹۸۳م.
- بیهقی، ابوبکر: *سنن الکبری*، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
- حموی، یاقوت: *معجم البلدان*، تصحیح فرید عبدالعزیز، بیروت: دارالکتب علمیه، ۱۴۱۰ق.
- دامادی، سید محمد: «سیر منقبت‌سرایی در ادب فارسی و عربی»، مجله میراث جاویدان، س ۲، ش ۴، ۱۳۸۷.
- الدیلمی، حسن بن محمد: *ارشاد القلوب*، شریف الرضی، ۱۳۶۸.
- راستگو، سید محمد: *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- رضوی، سید سبط حسن: *فارسی‌گویان پاکستان*، راولپندی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۳ (۱۹۷۴م).
- ریاض، محمد: «شعر فارسی و خدمات زیب مگسی»، معارف اسلامی، دوره جدید، ش (۹)، تابستان ۱۳۵۶.

- زیب، میر گل محمد خان مگسی: *زیب نامه*، با مقدمه سید شرافت عباس، کویته: به اهتمام انجمن فارسی بلوچستان، ۱۹۹۵م.
- سید شرافت عباس: *بلوچستان مین فارسی شاعری کی پچاس سال*، کویته: کوژک پبلشرز، ۱۹۹۹م.
- سید، محمدعلی شاه: «زیب مگسی سخن سرای برجسته قرن چهاردهم هجری»، دانش، اسلام آباد، فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ش ۷۵-۷۴، ۱۳۸۳.
- شفق، رضازاده: *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: ۱۳۲۱.
- شمیسا، سیروس: *فرهنگ تلمیحات*، چ ۶، تهران، فردوس، ۱۳۷۸.
- کوثر، انعام الحق: *شعر فارسی در بلوچستان*، کویته: آکادمی بلوچی، ۱۹۶۸م.
- _____: «یوسف عزیز مگسی»، کویته: صریر بولان، ۱۹۹۲م.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد: *اسباب النزول*، قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاء، ۱۳۸۸ق.
- دایرةالمعارف ویکی پدیا، مدخل «غدیر».